

برخی از اندیشمندان روم باستان

محمدعلی نویدی

تبارشناسی تفکر ، از نحوه انتقال و جریان فکر و علم از نسلی به نسل دیگر و از عصری به عصر دیگر و از حوزه های تفکری سلف به حوزه های تفکری خلف ، سخن می گوید.تبارشناسی نشانی برخی از متفکران و اندیشمندان و دانشمندان هر عصر دوران را به آدمی ، می آموزد و ریشه و نقش تفکر آنان را نمایان می کند ؛ یعنی، اندیشمندان و دانشمندان که حاملان و عاملان انتقال اندیشه و علم از یک سو و افزایش دهندگان انبان حکمت و دانش بشری از سوی دیگر ، در اعصار گوناگون است؛ در ساحت تبارشناسی تفکر مورد توجه و تظنن هستند. اتصال خردورزی و حکمت بشری و فزونی علم و معرفت آدمی ، در هر دوره ای به صاحبان فکر و علم و قلم و نفوس قوی و فرهیخته و تعلیم دیده و عمل قویم و بنیان مند ، سخت محتاج است ؛ در واقع ، بار اصلی مسؤولیت انتقال و اتصال اندیشه ها و علوم بعهده متفکران و دانشمندان است.

یکی از بزرگترین امپراطوری های تاریخ بشر و جهان ، همانا امپراطوری روم بوده است؛ بنابراین تلاش برای شناخت درون مایه و تفکر جاری و ساری در این امپراطوری امری بس عظیم و سترگ خواهد بود ، تبارشناسی تفکر در روم باستان در این مسیر و جهت معقول و موجه است و بررسی اجمالی جایگاه و نقش اندیشمندان روم باستان در این راستا حائز اهمیت است.

لوکرتیوس لوکرسیوس Lucrcece ، تیوتوس لوکرتیوس کاروس ، فیلسوف و شاعر و اندیشمند و خردمند اپیکوری مسلک و اپیکورگرای اهل روم باستان بوده است؛ تاریخ تولد و فوت وی اجمالاً(۹۹-۵۵ ق.م) می باشد ؛ یعنی ، در نیمه نخست سده اول پیش از میلاد می زیسته است.

اثر بزرگ و ماندگار لوکرتیوس ، که نام وی را در ردیف اندیشمندان بزرگ و شعرای بنام زبان لاتینی و از حکمای دوران باستان روم و دنیای قدیم در آورده است ، منظومه ای است بنام **de rerum natura** ، یا در باره ی طبیعت اشیا ، که در حقیقت شرح و بیان فلسفه طبیعی و اخلاقی اپیکوروس فیلسوف معروف یونانی است .

نظر اصلی لوکرتیوس از نظم و شرح این منظومه و کتاب این فکر و معرفت ، این بوده است که بشر را از ترس ها و وحشت های ناشی از خرافات و اعتقادات بی اساس ، نجات دهد و ثابت کند که روح یک امر مادی است که با تولد انسان به وجود می آید و با مرگ او از میان می رود و اگر چه خدایان وجود دارند ، ولی کاری به کارهای انسان ندارند.

لوکرتیوس می گوید هیچ چیزی از عدم وجود نمی آید و هیچ چیز و موجودی معلوم نمی شود. جهان نامتناهی است و مرکب است از فضا یا خلاء نامتناهی ، یعنی جز لاینجیزی ، و تفکر ذی قلمراطیس. تعداد انهما نامتناهی است ولی انواع آنها منتهای است ؛ و با تغییر مسیر و جهت آنها حرکت جدیدی در مسیر آنها ایجاد می شود، حرکت آنها بیوسبب و دارای جهت عمودی است ؛ بنابراین ، روح از آنهاهی بسیار کوچک و ظریف تشکیل شده است.

لوکرتیوس ، از اصول اتم گرایی ، ماهیت ذهن و روح ، تبیین و توضیح حس و فکر و پدیده آمدن دنیا و پدیده های آن ، بحث کرده است؛ از نظر وی ، معرفت انسان از راه حواس و استدلال و از راه عقل حاصل می شود. رهبر اخلاق و رفتار انسان ، احساس لذت و الم است و هدف انسان در زندگی باید این باشد که چنان رفتار کند که لذت بیشتر و رنج کمتر نصیب او شود. لوکرتیوس ، در منظومه خود ، عقاید هراکلیتوس و امپدوکلیتوسو آناکسگورس و رواقیان را مورد نقد و نفی قرار داده است. منظومه ی لوکرتیوس ، شامل شش کتاب و زبان لاتینی است ؛ لوکرتیوس با مهارت و خردمندی اصطلاحات فلسفی و علمی یونانی را عانا بخشیده و در شکل گیری زبان علمی و فکری در زبان لاتین نقش ممتازی ایفا کرده است.

سیسرو (سیسرون) Cicero

سیسرو زاده ۱۰۶ و در گذشته ۴۳ قبل از میلاد بوده است. مار کوس تولیوس سیسرو، خطیب و فیلسوف و سیاستمدار و نویسنده روم باستان و از بزرگترین و مشهورترین متفکران تمام تاریخ روم بوده است ؛ سیسرو در توسعه و گشایش مسیر فرهنگ روم بسیار نقش آرم بوده است.

سیسرو حکمت و دانش آموخته سه مکتب بزرگ فلسفی ، یعنی ، مکتب رواقی ، مکتب اپیکوری و مکتب شکاکیت بود ؛ در واقع ، هنر اصلی او این بود که لب و مغز فلسفه و تفکر یونان را به نیکی درک کرده بود و با خردمندی و توانایی فراوان آن تفکر را با فرهنگ لاتین تطبیق داده و موجب توسعه و تکمیل و غنای فرهنگی زبان و تمدن روم شده بود. در حدود نهمصد نامه ی سیسرو برای دوستان و خویشاوندان ، بهترین آینه و میناینگر و ریانگر وضعیت و فتنده های روم باستان می باشد. مخالفت با آنتونی سیاستمدار نظامی ام و در زندگی سیسرو برجسته است ؛ زیرا ، سیسرو می گفت ، آنتونی جمهوری روم را بسوی دیکتاتوری می برد ؛ فلذا ، سیسرو جان خود را از دست داد و سر و دست او را قطع کردند و چرخیدن و قطع شدن دست سیسرو نماد تقویت و حرکت نظام بسوی دیکتاتوری در روم تلقی شد ؛ سیسرو در دو رساله خود بنام اولین و دومین از حکومت جمهوری دفاع کرده است

نامه های او بهترین مرجع برای فهم اوضاع اجتماعی و سیاسی روم باستان است و سبک وی در ادب و خطابت سالیان سال سرمشق دیگر اندیشمندان بود و نظر او بیشتر رواقی بود ولی در واقع معجون و التقاطی از آموزه های مکاتب فکری یونانی و تجارب لاتینی بوده است. انتقال تفکر و فلسفه و بخشی از علوم از یونانی به لاتین مدیون و مرهون تلاش ها و پشتکار سیسرو بوده است ؛ او و لوکرتیوس ، پایه گذاران اصلی زبان فلسفی و علمی لاتین بوده اند. کتابی هم در خصوص ماهیت خدایان دارد که در موضوع کیهان شناسی است و از آثار فکری روم باستان قلمداد می شود.

سنکا، لوسیوس سنکا Lucius-Seneca

اهل روم تولد ۴ پیش از میلاد و مرگ ۶۵ میلادی در رم ایتالیا. فیلسوف رواقی ، سیاستمدار ، نمایشنامه نویس و معلم و مشاور نرون امپراتور. با توجه به کیفیت زندگی و نحوه مرگ وی ، روحیان باستان از سنکا به حرمت و نیکی نام می برند و زندگی وی را شرافتمندانه می دانند. سنکا نیز تفکر و فکر و دل به رواقیان داشت و رساییلی نیز در تأیید این نحله در اخلاق و فلسفه نگاشته است.

سنکا راهل هنر و ادب بیشتر بخاطر نگارش تراژیهایی نه گانه اش می شناسند (مدیا ، فدرآ ، اگاممنون ، اودیپ ، توستنس) در آثار دوره رنسانس و ادبیات متأخر اروپا، این نمایش نامه ها تأثیر بسیار داشته است (کتاب سنکا ، زبان – ترا و نوستنس) مطالب ارزنده در این خصوص دارد. سنکا رساییلی نیز است ؛ فیزیک و نجوم و جغرافیا و کاینات جو ، تألیف کرده است ؛ در آثار سنکا ، اساطیر یونانی مجوم نمایشنامه ها است ؛ لیکن ، سنکا تراژدی یونانی را از آسملها به زمین آورده است ؛ این نشان و نماد تفکر رومی است ؛ زمینی کردن و زمینی شدن. در آثار سنکا و خصوصا در نمایشنامه های وی ، شخصیت ها چهره ای کاملاً انسانی و واقعی بخود گرفته اند ؛ مضمون آثار او بیش از هر چیزی واجد ، عشق و نفرت و انتقام است. بنابراین ، سنکا ، در واقع ، پل و پیوند دوره روم باستان و دوران متأخر بوده است.

اپیکتیئوس Epitetes ، فیلسوف و اندیشمند روم باستان در پایان قرن اول و آغاز قرن دوم میلادی می زیسته است.او نیز از مکتب اخلاقی و فلسفی رواقیان متأثر بوده است ؛ در اصل و تبار ، پیرو سقراط و دیوجانس بود ؛ این گرایش و تعلق در گفت وگوهای اپیکتیئوس آمده است.از نظر وی امور دنیا هر دو قسم است قسمی در اختیار انسان است و قسمی از اختیار انسان خارج است ؛ آزادی و استقلال اراده و عزم در اختیار آدمی است و انسان می تواند اراده و عزم خود را به نحو شایسته بسازد ؛ اصل نظر و فکر او نیز در همین معنا نهفته است.در سده بعد و در عصر جدید از اندیشه و علم اپیکتیئوس، در علوم مشاوره شناختی و رفتاری بهره فراوان کرده اند ؛ زیرا در قرن اول میلادی او چنین نوشته است ، مردم قبل از این که بر خورد با رویدادها ترجیده شوند ، بیشتر از برداشت های خود از آنها ، متأثر می شوند .

مطالعه در تاریخ علم و اندیشه ، خصوصا تاریخ علم جرج سارتز ، برای درک و فهم نقش دانشمندان و متفکران روم باستان نافع است.

فرزادفروادهای تاریخ ایران شاهد چشم طمع ها و

دست اندازی های متعددی ازسوی دول بیگانه برپهنه این سرزمین است که شاید یادآوری آن تلخ، اما عبرت آموزنسل امروز و فرداست. دوره جنگ های اول میان ایران و روسیه تزاری با انعقاد عهدنامه گلستان و واگذاری بخشهایی از خاک ایران به روسیه پایان یافت اما برخی بندهای این عهدنامه ابهام داشت:از جمله این که تعیین خط مرزی در عهدنامه گلستان با این مضمون که هر کشوری تا هر جا که تصرف کرده، بماند میهم بوده از این رو نماینده ایران ابوالحسن شیرازی برای حل بحران مرزی و حل اختلافات راجع به گنجه، شیروان و طالش به روسیه رفت .

بالاخره مذاکرات سیاسی وارتباطات دیپلماتیک بر سر گوگجای (واقع در سرحدات قزاقبغ) که از لحاظ سوق الجیشی و تسلط بر ایروان، برای ایران حائز اهمیت بود، ادامه پیدا کرد ولی نماینده روس، این منطقه را حق کشور خود می دانست. در جنگهای ۱۲۴۴- ۱۲۴۱ فتوای برخی علما از جمله کشف العطاء، سبب تهییج احساسات دینی ایرانیان و مقاومت سپاه ایران در مقابل روسیه شد که عدم حمایت‌های روسولف را در جنگ در پی داشت و در نتیجه پاسکویچ به فرماندهی سپاه قفقاز منصوب شد.

گرچه عباس میرزا ولیعهد ایران بهترین ارتش خود را در سردارآباد که مهمترین منطقه در ارس بود،متمرکز ساخت، اما به دلیل نرسیدن آذوقه، روحیه سپاه منززل شد و عقابت سردارآباد به تصرف روس ها در آمد. فتوای ایران از ساحل سمت چپ رود ارس به طرف آذربایجان رانده شد و سپاه روس به پیشروی خود به طرف تبریز و پایتخت ادامه داد.

روابط به ظاهر مسالمت آمیز سیاسی روس ها باعث شد تا ایران فرصت تجهیز پیدا نکند و توان دفاع در مقابل روس ها را از دست بدهد و در نهایت خسته از عدم حمایت‌های مالی، در ناحیه ترکمنجای در مقابل سپاه پاسکویوی شکست بخورد. مک دونالد، سفیر انگلیس در تهران نیز که از پیشروی روس ها بیش از فتعلعی شاه به هراس افتاده بود، شاه را در قبول شرایط صلح تشویق کرد.

سرانجام با خدعه روس ها و تلاش پنهانی انگلیس ها عهدنامه ننگین دیگری در عهد نامه گلستان به نام عهدنامه ترکمنجای در شعبان ۱۲۴۴ قمری /فوریه ۱۸۲۸ به ایران تحمیل شد.

این عهدنامه در دو نسخه تنظیم و پس از امضای نمایندگان ایران و روسیه تزاری بین آنها مبادله شد. امضای این عهد نامه پایان کار نبود و پس از آن روسیه تزاری عهدنامه ها و توافقنامه های دیگری را به ایران تحمیل کرد که در

زیر به آنها اشاره می شود:

از جمله یک عهد نامه تجاری که به موجب آن حق اعزاز کنسول و نماینده تجاری به هر منطقه از مناطق ایران در صورت صلاحدید روس ها قابل انجام بوده و تمام بازار ایران بدون هیچ مانعی با این مضمون که: اتباع روس در همه جای ایران می توانند تجارت کنند و در صورت وفات، اموال متنتله و غیرمنتقله آنها، بدون هیچ مانعی از احکام ولایات متعلق به دولت روس است در اختیار روس ها قرار گرفت.

از گذشته های دور تا سال ۱۱۹۲ خورشیدی (۱۸۱۳ میلادی) که قرار داد گلستان برملت و دولت ما تحمیل شد، مالکیت و حاکمیت ملت ایران بر در دریای مازندران بلامنازع بود و سرتاسر کرانه‌های جنوبی، باختری و نیز بخش اعظم کرانه‌های شرقی این دریا در مالکیت و حاکمیت دولت ایران قرار داشت.

در اثر جنگهای دوره اول امپراتوری روسیه علیه ایران و از دست رفتن بخش هایی از قفقاز، مالکیت و حاکمیت بلامنازع ایران بر دریای مازندران خدشه دار شد.

در پی جنگهای دوره دوم روسیه علیه ایران و تحمیل قرارداد

۲۰ مهر سال ۱۳۳۳ خورشیدی حکم دادگاه بدوی نظامی تهران در روزنامه ها چاپ شد که به موجب آن دکتر حسین فاطمی، مهندس احمد رضوی کرمانی و دکتر علی شایبگان از یاران دکتر مصدق به اعدام محکوم شده بودند. اتهام آنان ضدیت با سلطنت و اقدام برای حذف شاه اعلام شده بود. این حکم بعدا در تجدیدنظر نظامی نقض شد. مهندس رضوی کرمانی (نماینده مردم کرمان) در دوران حکومت دکتر مصدق نایب رئیس مجلس شورای ملی بود، همین سستی که مهندس باهنر (کرمانی) از سال ۱۳۸۳ برعهده گرفته است، با همان وسعت نفوذ،

در سالروز انعقاد معاهده گلستان بررسی شد

تلخی های یک عهدنامه ننگین



ترکمنجای(۱۸۲۸ میلادی -۱۲۰۶ خورشیدی) سرزمین قفقاز از ایران جدا شد و حضور امپراتوری مزبور را در دریای مازندران پررنگ تر کرد:با توجه به شرایط مطرح شده ، عهد نامه بعدی انعقاد قرارداد آخال(۱۱۸۱ میلادی - ۱۲۶۰ خورشیدی) بود که بر اساس آن کرانه‌های خاوری دریای مازندران نیز تحت حاکمیت دولت روسیه تزاری قرار گرفت.

پس از پیروزی انقلاب کمونیستی در شوروی، لنین برای اثبات حسن نیت خود نسبت به ملل ضعیف جهان تمام امتیازات استعماری دولت تزاری پیشین را لغو کرد. دولت مصمصام السلطنه نیز از این فرصت استفاده کرد و در ۱۸ شوال ۱۳۳۶ در مصوبه‌ای الغای قرارداد ترکمنچای و دیگر امتیازات واگذار شده به دولت روسیه تزاری را اعلام کرد که این اقدام شامل لغو امتیاز قضاوت کنسولی(کاپیتولاسیون)برای اتباع روسیه نیز می‌شد.بالغو قرارداد ترکمنچای به طور منطقی بخش تصرف سرزمین های ایران نیز از این قراردادها باید ملغی می‌شد. اما مصوبه دوم یعنی استرداد حاکمیت ایران بر آن مناطق همان طور که انتظار می‌رفت، توسط دولت بریتانیا رد شد و به این واسطه بخش هایی از خاک کشور

صдор حکم اعدام برای سه هموزم دکتر مصدق

۲۰ مهر سال ۱۳۳۳ خورشیدی حکم دادگاه بدوی نظامی تهران در روزنامه ها چاپ شد که به موجب آن دکتر حسین فاطمی، مهندس احمد رضوی کرمانی و دکتر علی شایبگان از یاران دکتر مصدق به اعدام محکوم شده بودند. اتهام آنان ضدیت با سلطنت و اقدام برای حذف شاه اعلام شده بود. این حکم بعدا در تجدیدنظر نظامی نقض شد. مهندس رضوی کرمانی (نماینده مردم کرمان) در دوران حکومت دکتر مصدق نایب رئیس مجلس شورای ملی بود، همین سستی که مهندس باهنر (کرمانی) از سال ۱۳۸۳ برعهده گرفته است، با همان وسعت نفوذ،

در سالروز انعقاد معاهده گلستان بررسی شد

تلخی های یک عهدنامه ننگین



ترکمنجای(۱۸۲۸ میلادی -۱۲۰۶ خورشیدی) سرزمین قفقاز از ایران جدا شد و حضور امپراتوری مزبور را در دریای مازندران پررنگ تر کرد:با توجه به شرایط مطرح شده ، عهد نامه بعدی انعقاد قرارداد آخال(۱۱۸۱ میلادی - ۱۲۶۰ خورشیدی) بود که بر اساس آن کرانه‌های خاوری دریای مازندران نیز تحت حاکمیت دولت روسیه تزاری قرار گرفت.

پس از پیروزی انقلاب کمونیستی در شوروی، لنین برای اثبات حسن نیت خود نسبت به ملل ضعیف جهان تمام امتیازات استعماری دولت تزاری پیشین را لغو کرد. دولت مصمصام السلطنه نیز از این فرصت استفاده کرد و در ۱۸ شوال ۱۳۳۶ در مصوبه‌ای الغای قرارداد ترکمنچای و دیگر امتیازات واگذار شده به دولت روسیه تزاری را اعلام کرد که این اقدام شامل لغو امتیاز قضاوت کنسولی(کاپیتولاسیون)برای اتباع روسیه نیز می‌شد.بالغو قرارداد ترکمنچای به طور منطقی بخش تصرف سرزمین های ایران نیز از این قراردادها باید ملغی می‌شد. اما مصوبه دوم یعنی استرداد حاکمیت ایران بر آن مناطق همان طور که انتظار می‌رفت، توسط دولت بریتانیا رد شد و به این واسطه بخش هایی از خاک کشور

متن معاهده گلستان

جانبین باشد معلوم نموده، آن وقت خط حدود ولایت طالش نیز بر اسطاطوسکوادریز ندیم مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن بقای خواهد ماند و همچنین در سرحدات مزبوره فوق اگرچیزی از خط طرفین بیرون باشد معتمدان و مهندسان مأموهه طرفین هر یک طرفه موقت بیرون باشد معتمدان و مهندسان مأموهه طرفین هر یک طرف موقف اسطاطوسکوادریز ندیم رضا خواهد داد.

فصل سیم-اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم مالک بالاستقلال کل ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت خورشید رتبت، امپراطور کل ممالک روسیه دارند به این صلحنامه به عوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قزاقبغ و گنجه که الآن موسوم به الزبایط پول است و الکای خولاین نشین شکی، شیروان، قوقه، دریند، بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را با خاکی که الآن در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان، گرجستان، محال شوره گل، آچوق باش، کورنه، مینگرلی، ایجازی و تمامی الکاواراضی که در میانه قفقازبه و سرحدات معینه الحاله بوده و نیز آنچه از اراضی دریای قفقازبه الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک امپیره روسیه می می آید.

فصل چهارم-اعلیحضرت خورشید رایت، امپراطور قدر قدرت، پادشاه اعظم ممالک ایران به جهت اثبات این معنی که بنابر همجواریت طالب و راضع است که در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکید مشاهده و ملاحظه نمایاند، لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار می نمایاند که هر یک از فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین می گردد هر گاه محتاج به اعانت و امدادی از دولت روسیه باشد مضایقه نماید، تا از خارج کسی نتواند دخل در مملکت ایران نماید و به امداد و اعانت روس دولت ایران مستقر و محکم گردد، و اگر در سر امور دولته مملکت ایران قیامینب شاهزادگان مناقشی دولت روس را در آن میانه کاری نیست، تا پادشاه وقت خواهش نماید.

فصل پنجم- کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می نمایند به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران اعزام و نزدیک شوند و زمان طولان و شکست قدرتی از طرف ایران اعانت و پاری دولته نسبت به آنها بشوند کشتیهای جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند و به همین نحو در هنگام شکست و طوفان، از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه دربراه ایشان معمول گردد. کشتیهای عسکریه جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیبقی در دریای خود بخره اند حال نیز محض دوستی اندن داده می شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سواى دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد.

فصل ششم- تمام اسرای که در جنگها گرفته شده اند یا اینکه به اهالی طرفین اسیر شده از کریستیان و یا هر مذهب دیگر باشند می باید الی وعده سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط گذارن در این عهدنامه از طرفین عسکریه رد گردیده هر یک از جانبین خراج و مالیاتهای اسرای مزبوره به بقرا کلبسا رسانند و و کلاسی سرحدات طرفین هم به موجب نشر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها به جای معین به یکدیگر می نمایند اسرای جانبین را باز دریافت خواهند کرد و آنانکه به سبب تقصیر یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده اند، اذن به آن کسانی که به رضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند داده شود که به وطن خود مراجعت نمایند، و هر کس از هر قومی چه اسیر و چه فراری که نخواسته باشد بیاید کسی را با او کاری نیست و غفو و تقصیرات از طرفین نسبت به فراریان اعطا خواهد شد.tamson

فصل هفتم- علاوه از قرار و اظهار مزبوره بالا رأی بیضا ضیای اعلیحضرت کیوان رفعت، امپراطور اعظم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم ممالک ایران قرار یافته که ایلیچان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأموه و روانه دارالسلطنه جانبین می شوند بر وفق لیاقت رتبه امور، کلیه مرجوعه ایشان را حاصل و پرداخت و سجا نمایند و به دستور سابق و کلاسی که از دولتین، بخصوص جانب ارباب معاملات در بلاد مناسله طرفین تعیین و تمکین گردیده زیاده از آن، بضرر معامله نخواهند داشت و ایشان به اعزاز شایسته مراعات گردیده و به احوال ایشان هیچ گونه زحمت نرسیده، بل زحمتی که به رعایای طرفین عاید گردد و به موجب عرض و اظهار و کلاسی مزبوره رضای مستمدیدگان جانبین داده شود.

ایران برای همیشه از این کشور جدا شد.

چهل سال پس از تحمیل قرارداد آخال قراردادی میان اتحاد شوروی به عنوان جانشین امپراتوری روسیه تزاری و دولت ایران به امضا رسید که به قرارداد ۱۹۲۱ (موتد) معروف است.

بر پایه فصل یازدهم این قرارداد(۲۳ آذر ۱۳۰۰-۱۴ دسامبر ۱۹۲۱) دولت ایران و شوروی و در برابر در زمینه کشتیرانی در دریای مازندران برخورد دارند. مهم تر این که در قرارداد مزبور و حتی قراردادهای پیشین هیچ سخنی از تحدید حدود، میان ایران و روس، در دریای مازندران به میان نیامده است. به همین دلیل حاکمیت و مالکیت بر دریای مازندران به صورت مشاع متعلق به دولت‌های ایران و اتحاد شوروی است.

در این فصل چنین قید شده است که: نظر به این که مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه، عهدنامه منعقد در فوریه ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمنچای که فصل ۸ آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود، از درجه اعتبار ساقط است، مع هذا طرفین معظمتین متعهدتین رضایت می دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو با لسیوه حق کشتیرانی آزاد را زیر بیرق‌های خود در بحر خزر داشته باشند.

سال ها بعد از عهد نامه اولیه ترکمنچای، یعنی روز پنجم فروردین ماه ۱۳۱۹(۲۵ مارس ۱۹۴۰) قراردادی میان ایران و شوروی دربارہ بحر پیمایی در دریای مازندران به امضاء رسید. این قرارداد بیش از آن که جنبه حقوقی داشته باشد، از دید بازرگانی و کشتی رانی دارای اهمیت است. چنانچه در بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد بحری‌پیمایی می خوانیم:هر یک از طرفین متعهدتین، مابهیگیری در آبهای ساحلی خود تا حد ۱۰ میل دریایی را به کشتی های خود اختصاص داده و این حق را بر خود محفوظ می دارد که واردات ماهی های صید شده از طرف کارکنان کشتی های که زیر پرچم او سیر نمایند، از تخفیفات و مزایای خاصی بهره مند سازند.

روزگاری که دریای مازندران در حاکمیت مطلق ایران قرار داشت ، حاکمیت ضعیف ایران طبق این قرارداد نتگین بر مشاع بودن آن صحه گذاشت .

در طول زمان بخش هایی از سرزمین پهناور ایران جدا و به همسایه شمالی واگذار شد و همچنین با عقد قراردادهایی که تنها می توان ننگین شان خوانده، امتیازاتی به دول بیگانه اعطا شد که نشان از ضعف دستگاه حکومتی و سیستم خودکامه پادشاهان قاجار داشت. تبعات این حاتم بخشی ها، همچنان بر زندگی این ملت سایه افکنده و نسل های بعد تاوان این سرسپردگی به بیگانگان را به گونه ای دیگر برداختند.

فصل هشتم- در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین انذن داده می شود که هر کس از اهالی تجار بخصوص به ثبوت اینکه دوست رعایا و ارباب معاملات متعلقه به دولت بیهیه روسیه و یا تجار متعلق به دولت علیه ایران می باشند، از دولت خود یا از سر حداران تذکره و یا کاغذار را در دست داشته باشند، از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون شوشبوی آیند و هر کس هرفرد خواهد ساکن و متوقف گشته به امور معامله و تجارت اشتغال نمایند، زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند. آنچه مال و نتخواه از امکنه ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند و به معرض بیع رسانند و یا معاوضه با مال و اشیاء دیگر نمایند، اگر در میان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شوکه و ادعایی باشد به موجب عادت مألوفه به نزد و کلاسی طرفین با اگر و کیل نباشد نزد حاکم آنجا رفت امور خود را عرض و اظهار سازد تا ایشان از روی صداقت، مراتب ادعای آنها را مشخص و معلوم کرده، خود و یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند تعرض و زحمتی به ارباب معاملات عاید بشود.

در باب تجار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک ایران می شوند مأذون خواهند بود که اگر با مالک او در ایران نتخواه خودشان به جانب ممالک پادشاهانه دیگر که دوست ایران می باشند برنود از طرف دولت ایران بی مضایقه تذکرات راه به ایشان بدهند و همچنین از طرف دولت روس در ماده تجارت اهالی دولت ایران که از خاک ممالک روسیه به جانب سایر ممالک پادشاهانه که دوست دولت روسیه باشند می روند، معمول خواهد شد.

وقتی که از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شده باشد اموال و املاک او در ایران بماند چون مایعرف او از مال رعایای دولت دوست است، لهذا می باید اموال مفوت به موجب قبض الوصول شرعی رد و تسلیم ورئه مفوت گردد و نیز اذن خواهد داد که املاک مفوت را اقیام او بفروشد چنانکه که این معنی در ممالک روسیه و پادشاهان دیگر دستور و عادت بوده متعلق به هر دولت باشد مضایقه نمی نمایند. فصل نهم- باجمک اموال تجار طرف دولت بیهیه روسیه که به بنادر و بلاد ایران می آورند از یک تومان پانصد دینار در یک بلده گرفته از آنجا با اموال مزبوره به هر ولایت ایران برنود چیزی مطالبه نکرده و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون می آورند آن قدر گرفته زیاده به عنوان خراج و توجیه و تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه با شر و شلتاق مطالبه نشود و به همین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر و ممالک روسیه می آورند و یا بیرون می برند به دستور گرفته، اختلافی به هیچ وجه نداشته باشند.

فصل دهم- بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات دولتین انذن و اختیار به تجار و ارباب معاملات طرفین داده شده که اموال خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده و یا معاوضه کرده، دیگر از امنای گمرک و مستاجرین طرفین انذن نخواسته باشند، زیرا که در نمه امنای گمرک و مستاجرین لازم است که ملاحظه نمایند تا معلطی و تأخیر در کار ارباب معاملات وقوع نیافتد، باید خزانه را از باج یا از مبع (یا مشتری) که هر نوع با هم سازش می نمایند تلفات فرارند.

فصل یازدهم- بعد از تصدیق و خط گذارن در این شروط نامه، و کلاسی مختار دولتین علیتین بالاتأخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار می نمایند و امر اکید بخصوص مزبوره ترک و قطع امور عدالت و دشمنی به هر جا ارسال خواهند کرد. شرط این شروط نامه الحاله که بخصوص استمدار و مصالحه دانمه طرفین مستقر و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم و محرر و از کلاسی مختار مأمویرین دولتین علیتین مزبوره با تصدیق و با خط و مهر مختم گردیده و مبادله با یکدیگر شده است می بایست از طرف اعلیحضرت خورشید رتبت. پادشاه اعظم، امپراتور اکرم، مالک کل ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه و والا جاه ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد و چون این صلحنامه مشروحه مصدقه می باید از هر دو دولت پایدار به وکلاسی مختار برسد، لهذا از دولتین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد. تحمیرآ یا از مبعسک روسیه در رودخانه زیوه من محال ممالک متعلقه قزاقبغ به تاریخ بیست و نهم شوال المکرم سنه یک هزار و دویست و هشت (۱۲۰۸) هجری نبوی مطابق دوازدهم ماه اکتوبر سنه یک هزار و هشتصد و سیزده ۱۸۱۳ عیسوی سمت تحریر رفت.